



بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری(مذاق شریعت) با رویکردی بر سیره رضوی و آرای مقام معظم رهبری

علی محمدیان^۱
بتول سلحشور^۲

چکیده

هدف: مذاق شریعت که مراد از آن سبک و سیاق شارع در جعل احکام است و ملاکهای بنیادین شریعت را در امر تشریح و جعل قوانین در بر می‌گیرد، از جمله اموری است که برای استنباط و ارزیابی احکام، مورد توجه فقیهان قرار گرفته است. هدف از جستار حاضر، تبیین مصادیق مذاق شریعت و ایضاح ملاکهای بنیادین شرعی در امر قانونگذاری با رویکردی بر سیره امام رضا(ع) و آرا و سخنان مقام معظم رهبری بود. **روش:** این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. **یافته‌ها:** قطعی‌ترین اصولی که از سوی شارع در جعل احکام در نظر گرفته شده است، عبارتند از: ۱. رعایت مصلحت؛ ۲. عقلایی بودن؛ ۳. عادلانه بودن؛ ۴. رعایت تسهیل و آسان‌گیری؛ ۵. عدم تحریک عواطف و جلوگیری از نزاع. **نتیجه‌گیری:** از بررسی روایات امام رضا(ع) و سیره عملی ایشان دریافتیم که ایشان در احادیث متعددی به مصادیق مذاق شریعت اشاره کرده و همواره سعی در اقدام بر اساس سبک و سیاق مورد پذیرش شارع داشته‌اند. با امعان نظر در بیانات مقام معظم رهبری نیز دریافتیم که مذاق شریعت در اندیشه ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که هر یک از ملاکهای ذکر شده، در دفعات متعدد در سخنرانی‌ها و استفتائات ایشان نمود پیدا کرده و در حوزه‌های گوناگون مورد توجه ایشان واقع شده است.

واژگان کلیدی: شریعت، قانونگذاری، مذاق شریعت، سیره رضوی(ع)، آرای آیت‌الله خامنه‌ای.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۱۰؛ تصویب نهایی: ۱۴۰۰/۰۶/۰۵.

۱. دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه بزرگمهر قاننات.
۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد(نویسنده مسئول)/نشانی: مشهد؛ بلوار سرافرازان، خیابان راهی. شماره: ۰۵۱۳۸۱۱۲۴۳ / Email: batoul.salahshour@mail.um.ac.ir

الف) مقدمه

آموزه‌های دینی، مجموعه‌ای منسجم و جامع از احکام فردی و اجتماعی‌اند که برای سعادت و تنظیم زندگی بشر توسط شارع حکیم تشریح شده‌اند. یکی از مسائلی که از دیرباز مورد توجه و اهتمام اندیشوران مسلمان قرار داشته، شناخت و کشف هرچه بهتر قوانین الهی است تا از این رهگذر با عنایت به ریشه و حیاتی این آموزه‌ها و همخوانی تام آنها با فطرت آدمیان، بتوانند خود و جامعه را به سوی هدایت رهنمون سازند. در عین حال و با عنایت به این مهم، یکی از مسائلی که می‌تواند به کشف هرچه صحیح‌تر آموزه‌های بنیادی شریعت منجر شود، جستجو در مذاق و روش شارع در تشریح و جعل احکام است.

مذاق شریعت در اصطلاح به سبک و سیاق شارع در جعل احکام گفته می‌شود که فرد با پی بردن به آن، توانایی فهم و درک حکم شرعی را پیدا می‌کند؛ زیرا این حکم را با روش شارع در آن باب یا ابواب گوناگون سازگار می‌بیند. فقیهان از دیرباز برای روش، سبک و عادات شارع در جعل احکام، ارزش فراوانی قائل بوده و فتاوی خود را با آن سنجیده‌اند؛ تا آنجا که اگر ادله‌ای، حکمی خاص را برتابیده، ولی ایشان آن حکم را با مذاق شریعت ناسازگار دانسته‌اند، از آن ادله رو برگردانده و به حکم سازگار با روش شارع گرویده‌اند. به نظر می‌رسد در جمع‌بندی می‌توان چندین مذاق را به مثابه یقینی‌ترین باورهایی نام برد که شارع در جعل احکام در نظر گرفته است؛ ۱. رعایت مصلحت؛ ۲. عقلایی بودن؛ ۳. عادلانه بودن؛ ۴. رعایت تسهیل و آسان‌گیری؛ ۵. برینگیختن احساسات و عواطف و جلوگیری از نزاع و اختلافات. (علیشاهی، ۱۳۹۰: ۴۰)

با توجه به محورهای ذکر شده، مسئله‌ای که نگارش پژوهش حاضر را سامان داده است، ابتدا جستجو در میراث مکتوب حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) به عنوان امام معصوم و مفسر ممتاز و الهی تعالیم شریعت است تا از دل سخنان گهربار ایشان پنج مذاق اصلی شریعت کنکاش و بررسی شود؛ زیرا بخش قابل توجهی از کتب روایی شیعه، به نقل روایات حضرت(ع) اختصاص دارد. همچنین از آنجا که اهمیت محورهای پنج‌گانه مذکور به اندازه‌ای است که توجه به آنها در تمامی اعصار و زمانها امری ضروری است، لذا تبیین آرای رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان رهبر جامعه اسلامی و پرچمدار گفتمان اسلام ناب در این زمینه می‌تواند افقهای جدیدی را فراروی مدیریت کشور بگشاید. لذا از یک سو، تبیین آرای امام معصوم(ع) و تحلیل سیره ایشان به سبب بسط ید نسبی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از دیگر سو، با التفات به این نکته که مقام معظم رهبری به مثابه پیشوای حکیم و ولی امر فرزانه جامعه، با تأسی به سیره اهل بیت(ع) پیاده‌سازی راهبردهای دینی را در جامعه دنبال می‌کند و نیز فراست و بصیرت منحصر به فرد ایشان در امر تدبیر جامعه و آگاهی دقیق از مقتضیات زمان و مسائل سیاسی روز، تبیین رویکرد و مواضع و بیانات ایشان می‌تواند در خور توجه و الگویی ممتاز برای مدیران و مسئولان جامعه در پیشبرد راهبردهای کلان حکومت اسلامی باشد. ناگفته پیداست در عصر حاضر، تمدن اسلام اصلی‌ترین و جدی‌ترین رقیب

نظام لیبرالیستی غرب است و ایران اسلامی، برای مبارزه با تمدن غربی، انقلاب اسلامی مبتنی بر خداگرایی و نظریه ولایت فقیه را معرفی کرده است. در این میان، تبیین آرای مقام معظم رهبری به مثابه الگویی پیشرو در این زمینه، از اهمیت شایانی برخوردار است؛ زیرا نقش برجسته ایشان در توسعه و موفقیت نهضت از روزهای آغازین انقلاب تاکنون بر کسی پوشیده نیست و از آنجا که بدون شک حضور موفق در عرصه سیاسی و هدایت یک انقلاب نوپا در راه کمال و ترقی همه‌جانبه، با وجود دشمنان گوناگون داخلی و خارجی، بر اساس یک مدل نظری و عملی قوی و منسجم ممکن است؛ به این ترتیب، بررسی تطبیقی آرای رهبر انقلاب که تا حد زیادی نشانگر مبنای انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی ایشان است، می‌تواند در این زمینه گره‌گشا باشد.

در باب پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تا آنجا که نگارندگان در پایگاه‌های علمی معتبر جستجو کردند، هیچ کتاب یا مقاله‌ای که همپوشانی با موضوع جستار فرارو داشته باشد، مشاهده نشد. البته پنهان نیست که در باب عنوان کلی مذاق شریعت و پیشینه آن در فقه شیعه و اهل سنت و نیز امکان کاربردی آن در ابواب مختلف و موضوعات و معضلات متنوع و مستحدث فقهی، پژوهش‌های متعددی انجام شده که ذکر تفصیلی آنها از هدف و رسالت مقاله حاضر خارج است؛ اما وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر مقالات موجود، این است که تاکنون هیچ پژوهشی حول آرای فقیه متفکر و برجسته‌ای که بالفعل اداره جامعه را در دست گرفته و از این حیث تبیین آرای وی اهمیت شایانی دارد، سامان نیافته است. همچنان که بررسی میراث مکتوب حضرت علی بن موسی الرضا(ع) که در زمان حیات مبارک خود از فرصت ولیعهدی به نحو احسن استفاده کرده و فرهنگ تشیع را رواج دادند نیز در هیچ اثری مشاهده نمی‌شود.

تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و منابع مکتوب فقهی سامان یافته است که همراه با شناسایی منابع و مأخذ لازم، مطالعه و بررسی آنها، تطبیق و فیش‌برداری، طبقه‌بندی و مرتب شده و به نگارش درمی‌آید.

چارچوب و شاکله پژوهش از این قرار است که پس از تبیین و معناشناسی واژگان اساسی و کلیدی بحث؛ یعنی مذاق شریعت، ابتدا موضع کلی شریعت مقدس اسلام در هر یک از مصادیق مذاق بیان شده است. سپس میراث مکتوب امام هشتم(ع) از دل کتب معتبر روایی و آثاری که به نوعی متکفل بیان کلمات و سیره نورانی حضرت(ع) می‌باشند، استخراج و مطالعه و ارزیابی دقیق شده و هر جا ضرورت اقتضا داشته است، توضیحاتی نیز در تحلیل بیانات حضرت(ع) داده شده است. در ضمن، از آنجا که مذاق شریعت با دانش فقه و به تبع آن تعیین سیاست‌های کلی مدیریت جامعه رابطه تام دارد، در خلال هر بحث، آرای فقیهان امامی نیز به اختصار بیان شده است. همچنین در انتهای هر مقصد، آرا و بیانات مقام معظم رهبری نیز با مراجعه دقیق به سخنرانی‌ها و بیانیه‌های ایشان استخراج و بررسی و موارد مربوط به موضوع بحث عرضه شده است تا به مثابه الگویی فراروی جامعه و در خدمت سیاست‌های آن قرار گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

یک) مذاق شریعت

مذاق در لغت به معنای طعم یک چیز است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۱۱۱؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۳: ۳۴۹). شریعت نیز به معنای راه روشن، دین و آیین است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳: ۲۵۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۵۰؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۶: ۴۱) و مراد از آن در بحث حاضر، دین اسلام و آموزه‌های آن است.

اصطلاح مذاق شریعت که به آن روح شریعت نیز گفته می‌شود، به معنای برداشت فقیه متبحر از مبانی احکام فقهی است که در موارد فقدان ادله خاص و عمومات و قواعد کلی به آن تمسک می‌کند؛ برای مثال، در مواردی که دو نفر ادعای مالکیت بر مالی دارند و هر دو در آن تصرف و تسلط دارند، فقها به قاعده عدل و انصاف تمسک کرده و آن مال را بین آن دو نصف می‌کنند. قاعده عدل و انصاف، قاعده‌ای موافق مذاق شریعت است؛ زیرا رعایت عدل و انصاف، از مبانی اولیه احکام شرعی است (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۷۱۵). به عبارت دیگر؛ مذاق شریعت عبارت است از آنچه از مجموع ادله و مبانی شرعی به دست می‌آید (بدری، ۱۴۲۸: ۲۶۲) و استاد شارح به آن قطعی است. (حکمت‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۵)

دو) سیره رضوی

اهل لغت، سیره را به معنای طریقه، روش و سنت دانسته‌اند (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۴۰؛ واسطی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۵۵۹). ابن منظور معتقد است سیره از ریشه «سیر» در معنای رفتن و حرکت به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۹۹). ابن فارس می‌نویسد: «سیره واژه‌ای است که در اصل وضع خویش معنای رفتن و حرکت می‌دهد و دلالت بر روش و شیوه مستمر و متداول دارد و از «سار، یسیر، سیراً» به معنای سیر در روز و شب اخذ شده است.» (ابن فارس، ۱۴۱۱، ج ۳: ۱۲۰)

معنای اصطلاحی سیره از معنای لغوی آن دور نیست و اندیشوران مسلمان سیره را به بنای عملی انسانها در طول تاریخ بر انجام کاری یا بر ترک آن معنا کرده‌اند. به عبارت دیگر؛ سیره عبارت است از استمرار روش و شیوه مستمر عملی در میان مردم بر انجام کاری یا ترک عملی. البته استمرار شیوه و روش اگر در میان همه عقلا منظور باشد، این سیره را سیره عقلا و اگر همه مسلمانان یا پیروان مذهب یا گروهی خاص از مسلمانان مد نظر باشد، آن را سیره متشرعه می‌نامند (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۵۳). در پژوهش حاضر، همه آنچه از معصوم (در اینجا حضرت علی بن موسی الرضا) صادر شده، اعم از قول، فعل و تقریر، سیره نامیده شده است؛ با این استدلال که اصولاً سخن، تأیید و تقریر نیز نوعی فعل صادر از معصوم (ع) است و در زمره سیره عملی وی به شمار می‌رود.

سه) آرای مقام معظم رهبری

بر کسی پوشیده نیست که مقام معظم رهبری اهتمام خاصی به اسلامی بودن و حرکت در مسیر آموزه‌های اسلامی دارند. یکی از مصادیق توجه ایشان به اسلام ناب، تلاش برای حاکمیت هرچه بیشتر اسلام بر شئون مملکت است. ایشان همواره مسئولان را به تلاش برای اسلامی کردن تمامی امور کشور دعوت کرده و از آنان خواسته‌اند محتوای عملکردشان را اسلامی کنند. در پژوهش حاضر، نگارندگان با توجه به موضوع تحقیق، با تتبعی فراگیر در گستره سخنان ایشان، اعم از بیانات در دیدارهای مردمی و مقامات کشوری، استفتائات، سخنان ایراد شده در دروس خارج و نیز محتوای بیانیه‌های صادر شده از سوی ایشان، سعی کرده‌اند مواضع بحث را شناسایی کنند و به دسته‌بندی و تبیین آنها پردازند.

ب) یافته‌های تحقیق

از آنجا که سؤال پژوهش حول تبیین محورهای کلی ناظر به مذاق شریعت و یقینی‌ترین باورهایی است که شارع در جعل احکام مد نظر داشته و این امور در پنج محور معرفی شدند، لذا در ادامه هر یک از مواضع، معرفی و در سیره رضوی و آرای مقام معظم رهبری تبیین خواهند شد.

۱. رعایت مصلحت

مصلحت در مقابل مفسده و به معنی وجود خیر و صلاح در چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۲: ۵۱۷؛ فیومی، بی تا، ج ۲: ۳۴۵؛ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۲: ۳۸۹). مصلحت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. شارع، مصلحت را هم در جعل احکام مد نظر قرار داده؛ چنانکه تمام احکام را بر مبنای مصالح و مفسدات مقرر داشته است (کاشف‌الغطا، بی تا: ۷۲؛ مطهری، بی تا، ج ۲: ۵۲) و هم در مرحله عمل به آن توجه کرده است؛ چنانکه در شرع مقدس قواعدی وجود دارد که طبق آنها اگر اجرای حکمی مقتضی مفسده‌ای باشد که با مصلحت موجود در حکم تراحم داشته باشد، اجرای حکم اولیه متوقف شده و حکم ثانویه جایگزین آن می‌شود. برای مثال، شارع در مرحله جعل حکم، مصلحت را در ترک شرب خمر دانسته و حکم حرمت را جعل کرده است؛ اما اگر برای حفظ جان، شرب خمر ضرورت داشته باشد، از آنجا که مصلحت حفظ جان اهم از مصلحت ترک شرب خمر است، در چنین شرایطی به جواز شرب خمر حکم شده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹: ۲۰۳)

در آیات متعددی از قرآن کریم با بیان مصادیقی از منافع و مصالح بندگان به این مسئله اشاره شده است که احکام با توجه به مصلحت و مفسده موجود در متعلقات آنها جعل شده‌اند. برای مثال، خداوند در بیان علت وجوب نماز فرموده است: «و نماز را به جای آر که همانا نماز است که از هر کار زشت و منکر بازمی‌دارد» (عنکبوت: ۴۵). روایات متعددی نیز پیرامون این موضوع وارد شده است که احکام بنا بر مصلحت بندگان جعل شده‌اند. برخی از این روایات به صورت عام و کلی به رعایت مصلحت در

۶۹۲ ♦ بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری (مذاق شریعت)...

تشریح احکام اشاره داشته‌اند و در برخی دیگر، برخی از مصادیق مصلحت ذکر شده است. در این خصوص به نقل از دکتر وهبه زحیلی - از دانشمندان معاصر اهل سنت - گفته شده است: «پیامبر اکرم (ص) در موارد زیادی، احکام را توأم با بیان علل و فلسفه آنها که مربوط به مصالح دینی و دنیوی بوده، بیان کرده است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۴۰۹). از جمله این روایات، حدیثی است از امیرالمؤمنین (ع) که فرمودند: «خداوند به بندگانش چنین خطاب کرد: ای بندگان من! در اوامر و دستوراتی که به شما داده‌ام مرا اطاعت کنید؛ زیرا من بهتر از شما بر مصالح شما آگاهم و در بیان آنچه به مصلحت شماست بخل نمی‌ورزم» (حلی، ۱۴۰۷: ۳۷). پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند: «بندگان خدا! شما به منزله بیماران می‌باشید و پروردگار جهان به منزله طبیب؛ پس صلاح مریض و مصلحت او در آن دستوراتی است که طبیب برای وی تشخیص می‌دهد، نه در آن چیزهایی که مریض علاقه دارد و پیشنهاد می‌کند. بنابراین، تسلیم فرمان خدا شوید تا به پیروزی و کامیابی دست یابید» (همان).

شهید اول در باب اهمیت مصلحت بیان داشته است: «احکام شرع بر اساس مصالح، استدلال و توجیه می‌شوند» (شهید اول، بی‌تا، ج ۱: ۲۱۸).

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در ضمن بیانی نورانی، به موضوع مصلحت اشاره داشته و در باب علت حلیت و حرمت خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها می‌فرماید: «خداوند تبارک و تعالی هیچ خوردنی و نوشیدنی را حلال نکرده است، مگر آنکه در آن منفعت و صلاحی بوده و هیچ خوردنی و نوشیدنی را حرام نکرده، مگر آنکه در آن ضرر و مرگ و فساد بوده است. پس هر چیز مفید و مقوی بدن که باعث تقویت آن شود، حلال شده است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶: ۳۳۳). آیت‌الله سبحانی با استدلال به این روایت، اظهار داشته‌اند تردیدی نیست که احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد موجود در متعلقاتشان هستند؛ پس عملی واجب نیست، مگر به دلیل مصلحتی که در انجام دادن آن است و عملی حرام نیست، مگر به دلیل مفسده‌ای که در آن وجود دارد. (سبحانی، بی‌تا، ج ۲۴: ۷۵-۷۶).

تأمل در سیره رضوی نیز بیانگر جایگاه مصلحت نزد ایشان است؛ برای مثال، علت قبول ولایت‌عهدی مأمون از سوی امام رضا (ع) را می‌توان در نظر گرفتن مصالحی دانست که در صورت رد ولایت‌عهدی از سوی ایشان، فوت می‌شدند؛ یکی از این مصالح، حفظ نفوس و جلوگیری از خونریزی بود. در این خصوص گفته شده است: «موضع اصولی امامیه به سبب عدم مشروعیتی که برای خلفا قائل است، همکاری نکردن با دستگاه حاکمه بود و همین موضع در احادیث امام رضا (ع) نیز با شدت لحن دیده می‌شد. به عنوان نمونه باید به حدیثی از حضرت اشاره کرد مبنی بر اینکه «وارد شدن در کار سلطان و یاری او و کوشش در جهت نیازهای او کفر است و نگاه عامدانه به وی از کبایر مستحق آتش است». در حدیثی دیگر حضرت می‌فرماید: «بر حذر باشید از درآمیختن با سلطان، که در آن رفتن دین است و بر حذر باشید از یاری کردن او، که در آن صورت، امر او را

علی محمدیان و بتول سلحشور ❖ ۶۹۳

ستودن نخواهید یارست». با این همه، به طور ثانوی و بسته به شرایط، گاه اجازه همکاری با سلطان صادر شده است. در احادیثی که از امام رضا(ع) در این باره وارد شده، برای همکاری با سلطان همواره یک غرض و یک فایده ذکر شده است؛ غرض از همکاری، حفظ خون همکاری کننده و دفع خطر سلطان از جماعت امامیه است و فایده همکاری اینکه، آن شیعه که منصبی از جانب سلطان گرفته، بتواند در حد همان منصب در رفع مظالم و احقاق حقوق مؤمنان بکوشد. در سیره عملی شخص امام با مأمون نیز دیده می شود که امام در مصاحبت با خلیفه بارها از ریخته شدن خونی جلوگیری کرده است». (پاکتچی، ۱۳۹۳)

رهبر انقلاب اسلامی در سخنان خود بارها به اهمیت و جایگاه مصلحت اشاره داشته اند. ایشان در زمینه سیاست خارجی تأکید ویژه بر موضوع مصلحت داشته و فهم درست و عملیاتی کردن آن و دو مسئله مهم عزت و حکمت را شرط تحقق سیاست خارجی صحیح و کارآمد دانسته اند: «این سه شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید بفهمیم؛ اگر توانستیم اینها را عملیاتی بکنیم، سیاست خارجی ما همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایسته تراز نظام جمهوری اسلامی است». (۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

ایشان در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای و نخبگان دانشجویی در توضیح مصلحت اندیشی دستگاههای اجرایی بیان داشتند: «مصلحت اندیشی بد، منفی و ضد ارزش نیست. مصلحت اندیشی؛ یعنی دنبال مسئله ای که مصلحت است، رفتن. اینکه موضوع بدی نیست. این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار خود در دنیا، بر سر دوراهی هایی قرار می گیرد که مجبور می شود مصالحی را در نظر بگیرد؛ چون اداره کشور و کار اجرایی، کار خیلی سختی است. مثال آن، این است که وقتی کسی از پای تلویزیون کوهنوردی را می بیند که با زحمت و قدم به قدم جلو می رود، با خودش می گوید: یک ذره زودتر و تندتر قدم بردار تنبل! او پای تلویزیون نشسته، در آن ارتفاع چند هزار متری و در آن وضعیت قرار ندارد که ببیند این کار چقدر عملی است. همین مثال بر کسی که مسابقه کشتی یا فوتبال را از تلویزیون می بیند، صدق می کند. حتماً دیده اید که گاهی اوقات بعضی از تماشاگران فوتبال، دائم به بازیکن ها و گروه های مورد علاقه خود دستور می دهند: تنبل بزن! شوت کن! به هر حال، کار اداره کشور کار سختی است و البته مصلحت، هیچ اشکالی هم ندارد؛ ما به آنها ایراد نمی گیریم. البته حواسمان هم جمع است که آنها همیشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسئولیتیم به این موضوع توجه می کنم». (۱۳۸۲/۰۸/۱۵)

۲. عقلایی بودن

در شریعت مقدس اسلام، عقل و تعقل از جایگاهی والا برخوردار است؛ چنانکه خداوند در قرآن کریم بیش از ۳۰۰ مرتبه آدمیان را به اندیشیدن و به کار گرفتن قوه تعقل دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۲۵۵). روایات متعددی نیز در باب عقل وارد شده است. (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۰-۱۰)

مشهور اصولیان، عقل را به عنوان یکی از ادله استنباط احکام، در کنار کتاب و سنت دانسته‌اند (مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲: ۱۱۵) و مراد ایشان از دلیل عقلی، هرگونه گزاره عقلی است که بتوان از طریق آن به حکم شرعی دست یافت (همان: ۱۱۸). همچنین ایشان قاعده‌ای با عنوان ملازمه میان حکم عقل و شرع را بیان داشته‌اند که بر اساس آن «کل ما حکم به الشرع حکم به العقل و کلما حکم به العقل حکم به الشرع» (صدر، ۱۴۱۸، ج ۲: ۲۹۰-۲۸۸؛ صفور، ۱۴۲۸، ج ۲: ۵۲۳)؛ یعنی هر آنچه شرع به آن حکم می‌کند، عقل نیز به همان حکم می‌کند و هر آنچه عقل به آن حکم می‌کند، شرع نیز به همان حکم می‌کند.

با مراجعه به متون فقهی می‌توان موارد متعددی را یافت که فقیهان در راستای استنباط احکام، به دلیل عقل اشاره داشته‌اند (ر.ک: حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۵۳۷، ۵۸۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۷: ۱۶۰؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۵۲۳؛ ج ۱۲: ۳۲۹). برای مثال، ابن ادریس حلی یکی از ادله حرمت غصب را عقل دانسته (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۴۸۰) و در باب غصب بیان داشته است که چنانچه کسی مالی از قبیل بذر یا مرغ را غصب کند و از آن مال، محصولی مانند زرع یا جوجه حاصل شود، این دو متعلق به صاحب زرع و مرغ هستند نه غاصب و این حکم را عقلانی دانسته است. (همان: ۴۸۴)

امام رضا (ع) عقل را عاملی دانسته‌اند که از طریق آن می‌توان راست و دروغ را از یکدیگر تمییز داد؛ در روایتی وارد شده است: «ابن سکیت از حضرت رضا (ع) پرسید: امروز حجت بر خلق چیست؟ فرمود: عقل، که انسان به وسیله آن راستگوی بر خدا را می‌شناسد و او را تصدیق می‌کند و از دروغ‌پرداز بر خدا آگاهی می‌یابد و او را تکذیب می‌کند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۴۴)

همچنین ایشان در مواردی با بیان استدلالهای عقلی به بیان فلسفه احکام پرداخته‌اند. برای نمونه، در روایتی از ایشان نقل شده است: «امام رضا (ع) فرمودند: علت تحریم ربا در معامله این است که خداوند به دلیل فسادی که نسبت به اموال در آن وجود دارد، آن را نهی کرده است؛ زیرا انسان چنانچه یک درهم را به دو درهم بخرد، یکی از آن دو درهم در مقابل درمی که دریافت کرده، پرداخت شده؛ اما درهم دوم تباه شده است. پس خرید و فروش و معاملات ربوی در هر حال نوعی فریبکاری برای خریدار و فروشنده است. از این رو، خداوند تبارک و تعالی ربا را به سبب فساد و تباهی اموال، حرام کرده است؛ همان گونه که نهی کرده است نسبت به اینکه اموال سفیه در اختیار وی گذاشته شود؛ زیرا بیم آن می‌رود که اموال را تلف و نابود کند...» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۱۲۱). آیت الله مکارم شیرازی این بیان ارزشمند را این گونه شرح داده

علی محمدیان و بتول سلحشور ❖ ۶۹۵

است: حضرت رضا(ع) در این روایت برای حرمت ربا دو دلیل ذکر فرموده است؛ نخست، سخن خداوند متعال در قرآن مجید که از رباخواری نهی کرده است؛ دیگر اینکه، رباخواری اکل مال به باطل است. سپس امام(ع) مثال می‌زند که اگر کسی یک درهم را به دو درهم بفروشد، در این معامله یک درهم در مقابل یک درهم قرار می‌گیرد؛ اما درهم دومی که فروشنده از خریدار می‌گیرد، باطل است و دلیل عقلی و منطقی ندارد. به همین سبب، اکل مال به باطل است؛ از این رو، رباخواری حرام شده است. (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۳۴)

رهبر انقلاب اسلامی، عقلانیت را در کنار عدالت و معنویت، از ارکان اسلام برشمرده (۱۳۸۷/۰۶/۰۲) و عقل‌گرایی در تصمیم‌گیری‌ها را بسیار حائز اهمیت دانسته‌اند (۱۳۸۹/۰۵/۲۷). در اندیشه ایشان، عقلانیت از پایه‌های اساسی جامعه اسلامی است (۱۳۹۰/۰۴/۰۹) و مهم‌ترین ابزار کار در فرایند جامعه‌سازی اسلامی به شمار می‌رود. (۱۳۸۳/۰۵/۲۵)

آیت‌الله خامنه‌ای در خصوص رویکرد اسلام نسبت به عقل بیان داشته‌اند: «ضدیت دین با علم و ضدیت دین با عقل، اصلاً معنا ندارد. در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است؛ اصول اعتقادات را با عقل بایستی به دست آورد؛ در احکام فرعی هم عقل یکی از حجتهاست» (۱۳۸۳/۰۷/۰۵). ایشان همواره در بیانات خویش بر جایگاه عقل در فهم دین تأکید داشته‌اند؛ چنانکه در یکی از دیدارهای خود با مسئولان نظام و سفیران کشورهای اسلامی بیان داشتند: «انسانها به برکت خرد است که می‌توانند پیام پیامبران را درک کنند؛ از مشکلات و دشواری‌های راه نورانی پیغمبران نهراسند و آنها را بتوانند پشت سر بگذارند. به برکت عقل و اندیشه و خرد است که بشریت می‌تواند از مفاهیم قرآن به درستی استفاده کند. اگر جامعه اسلامی به همین یک دستور عمل کند؛ یعنی نیروی فکر را، به کارگیری اندیشه و خرد را در میان خود یک امر رایج و عمومی قرار بدهد، عمده مشکلات بشر حل خواهد شد؛ عمده مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد شد. امروز شما نگاه کنید، به نام اسلام در یک نقطه‌ای با انسانهای بی‌گناه رفتار ظالمانه می‌کنند، در یک نقطه‌ای به خاطر اسلام مسلمانان را قتل‌عام می‌کنند. در آفریقا در یک مرکزی، در یک کشوری، کسی به خاطر مسلمان بودن مورد قتل و تجاوز و ظلم قرار می‌گیرد. در نقطه دیگری کسانی به نام اسلام، دخترهای مردم را می‌دزدند و فرار می‌کنند؛ اینها به خاطر این است که پیام اسلام برای مسلمانان جا نیفتاده است. ما مسلمانها باید قرآن را، اسلام را درست بفهمیم و با میزان عقل و خرد خودمان و با راهنمایی اندیشه بشری و اسلامی، به اعماق تعالیم پیامبر اسلام و این پیامها برسیم» (۱۳۹۳/۰۳/۰۶)

۳. عادلانه بودن

عدالت از جمله آرمانهای مطلوب بشریت در سراسر تاریخ است که انسانها همواره درصدد تحقق همه‌جانبه آن بوده‌اند و تمام ادیان الهی نیز بر آن توصیه مؤکد داشته‌اند. آنچه از کتاب و سنت به دست می‌آید این

۶۹۶ ♦ بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری (مذاق شریعت)...

است که شریعت مقدس اسلام به عدالت اهتمام ویژه دارد و از آن به عنوان عاملی ضروری در ثبات و بقای جامعه و سرنوشت مردم و ایجادکننده تحول و تکامل یاد کرده است (ر.ک: حدید: ۲۵؛ مائده: ۸؛ نساء: ۵۸). بر اساس آموزه‌های اسلام، مهم‌ترین مبنا و هدف اصلی در احکام شریعت، اقامه عدل در جامعه است؛ حضرت علی (ع) در این باره فرموده‌اند: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۹۹)؛ عدالت، روح و کالبد احکام الهی است.

امام خمینی (ره) در بخشی از وصیت‌نامه خود بیان داشته‌اند که: «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌روی‌ها و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد و حدود و قصاص و تعزیرات بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود». این عبارات بیانگر این است که ایشان معیار قوانین و احکام اسلام در تمامی حوزه‌ها، اعم از ایستادگی در مقابل ظلم، منع از فساد و فحشا، آزادی و استقلال، حدود و قصاص و تعزیرات و ... را عدل دانسته و با استناد به اینکه احکام مزبور بر معیار عدالت وضع شده‌اند، بیان داشته‌اند که آنها از مواردی نیستند که با مرور زمان ارزش خود را از دست بدهند.

شهید مطهری نیز عدالت را از معیارهای ارزیابی درستی و نادرستی استنباط احکام دانسته، در این زمینه می‌فرماید: «اصل عدالت از مقیاسهای اسلام است که باید دید چه چیزی بر او منطبق می‌شود». (مطهری، ۱۴۰۳: ۱۴)

برخی دیگر از فقها هرچند به معیار بودن عدالت برای استنباط احکام تصریح نکرده‌اند، اما در استدلالهای فقهی خود به عدالت به عنوان ملاک و معیار حکم استناد کرده‌اند. برای نمونه، صاحب جواهر در خصوص مسئله تعیین تفاوت قیمت صحیح و معیوب (آرش) در مواردی که کارشناسان در زمینه قیمت‌گذاری اختلاف نظر دارند، پس از بیان اقوال متعدد فقیهان، قول به اعتبار میانگین قیمت‌های گوناگون را برگزیده و در این خصوص بیان داشته است که در جهت جمع بین حقوق فروشنده و مشتری، این قول با عدالت سازگارتر است. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۳: ۲۹۴)

امام رضا (ع) یکی از نشانه‌های امام را عادل بودن دانسته، فرموده‌اند: «نشانه امام این است که به تورات و انجیل و زبور و قرآن حکیم آگاه باشد و برای اهل تورات با تورات خودشان و برای اهل انجیل با انجیل خودشان و برای اهل قرآن با قرآن خودشان حجت آورد و دانا به همه زبانها باشد؛ حتی یک زبان بر او پنهان نباشد و به هر قومی با زبان خودشان برهان آورد و افزون بر همه این ویژگی‌ها، باتقوا و پاکیزه از هر آلودگی و پاک از هر عیبی، عدالت‌پیشه و بانصاف، حکیم، مهربان، باگذشت، پرمحبت، راستگو، نیکوکار، خیرخواه، امین، درستکار و مدبر باشد» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۵۰). همچنین بیان داشته‌اند: «تنها چیزی

علی محمدیان و بتول سلحشور ❖ ۶۹۷

که از امام خواسته می‌شود عدالت و دادگستری است؛ چنانکه هنگامی که سخن گوید، راست بگوید و هنگامی که حکم کند، عدالت را رعایت کند و هنگامی که وعده داد، به وعده وفا کند» (اربلی، بی تا، ج ۳: ۱۰۳). در توضیح کلام ایشان گفته شده است: «بدون تحقق عدالت، سعادت انسان تأمین نمی‌شود؛ لذا هدف دین و شریعت، تحقق عدالت در افراد و اجتماع است. عدالت افراد، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی و عدالت اجتماعی سبب گسترش عدالت در بین افراد است. تحصیل حقیقت عدالت در فرد، ملازم با تقوا در شریعت است؛ زیرا عدالت در حوزه عمل، سلوک بر صراط مستقیم و هدف بعثت انبیاست و آمدن شریعت نیز برای تحقق این هدف بزرگ بوده است. حال، تحقق عدالت اجتماعی نیز در صورتی امکان‌پذیر است که نفوس انسانی به لحاظ اندیشه و اخلاق در مسیر رضوان الهی تحول و تهذیب یابد و این تحول و تهذیب جز در سایه‌سار ولایت معصوم امکان‌پذیر نیست» (کریم‌زاده، ۱۳۹۷: ۶۰).

حضرت رضا(ع) عدالت را این‌گونه توصیف فرموده‌اند: «هر کس در معامله با مردم ستم نکند و در گفتگو با آنان دروغ نگوید و از پیمان‌شکنی پرهیز کند؛ پس او از کسانی است که انسانیت او به کمال رسیده و عدالت او آشکار گشته است. برادری با چنین شخصی، لازم و غیبی او حرام است» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۳۰).

امام رضا(ع) در خصوص علت تشریح زکات فرموده‌اند: «علت تشریح زکات، قوت دادن به فقرا و حفظ اموال ثروتمندان و اغنیاست» (همان: ۸۹). از کُنه کلام ایشان می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ایشان زکات را عاملی در تحقق عدالت اقتصادی دانسته‌اند که به موجب آن از سویی فقیران قوت می‌یابند و از سوی دیگر، اموال اغنیا حفظ می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات خویش، عدالت را ارمغان و هدیه‌ای از جانب اسلام دانسته‌اند (۱۳۹۰/۱۱/۱۰) و همواره بر جایگاه ویژه عدالت در اسلام اشاره داشته‌اند. ایشان ضمن تأکید بر اینکه عدالت یکی از مفاهیم اصیل اسلامی است، بیان داشته‌اند: «یک بخش دیگر از حقایقی که بعثت و وحی الهی برای مردم روشن کرد، منظومه ارزشی اسلام است؛ ارزشهایی که اسلام آنها را تثبیت کرده است؛ یعنی به عنوان ارزش آنها را شناخته است؛ که آحاد مردم و جوامع مردمی موظف‌اند خودشان را به این ارزشها نزدیک کنند؛ سعادتشان در این است. از مثل خلیفات فردی که انسان دارای صبر باشد، دارای حلم باشد، دارای گذشت باشد و امثال اینها که صفات فردی انسانهاست تا مفاهیم عمومی و زندگی‌ساز مثل آزادی، مثل عدالت اجتماعی، مثل کرامت انسانی، مثل سبک زندگی؛ اینها جزو آن سلسله ارزشهای اسلامی است که در اسلام بیان شده و تفهیم شده به ما. عده‌ای به خطا تصور می‌کنند که این مفاهیم رایج مثل عدالت اجتماعی و آزادی و مانند اینها از غرب به عالم اسلام آمده است، یا متفکرین اسلامی اینها را از غربی‌ها یاد گرفته‌اند؛ این کاملاً اشتباه است. غرب سه چهار قرن بیشتر نیست که با این مفاهیم آشنا شده؛ از بعد از رنسانس با این مفاهیم آشنا شده است؛ در حالی که اسلام ۱۴۰۰ سال قبل از این، این مفاهیم را به

۶۹۸ ♦ بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری (مذاق شریعت)...

طور روشن در قرآن بیان کرده است؛ با این تفاوت که غربی‌ها که اینها را مطرح کرده‌اند، هیچ‌وقت صادقانه به آن عمل نکرده‌اند- نه به آزادی عمل کردند، نه به عدالت اجتماعی عمل کردند- آنها گفتند و عمل نکردند؛ این مفاهیم در اسلام بود و در زمان پیغمبر عمل شد. این عبارت «أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ» مال قرآن است دیگر؛ دستور پیغمبر این است که اجرای عدالت بکند؛ این همان عدالت اجتماعی و عدالت همه‌جانبه است؛ یا می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی اصل بعثت همه انبیا و ارسال رسل و کتب برای این بوده است که قسط- یعنی همین عدل اجتماعی، عدل اقتصادی- در بین مردم برقرار باشد؛ بنابر این، اینها مفاهیم قدیمی اسلامی است. در ادامه اظهار داشته‌اند که: «این سلسله ارزشها و سلسله معارف و منظومه معرفتی و منظومه ارزشی به این صورت است. پشت سر اینها احکام است؛ یعنی «باید» و «نباید»ها؛ این احکام اسلامی- چه فردی و چه اجتماعی- همه برخاسته از آن معارف است و منطبق بر آن ارزشها (خلقیات فردی همچون صبر و مفاهیم عمومی همچون عدالت اجتماعی) است؛ یعنی همه این تکالیفی که خدای متعال برای فرد مسلم قرار داده است، نشئت گرفته از همان مفاهیم اصلی و معرفتی است و منطبق با مفاهیم ارزشی است.» (۱۳۹۹/۰۱/۰۳)

۴. رعایت تسهیل و آسان‌گیری

شریعت مقدس اسلام بر محور تسهیل و آسان‌گیری بنا شده و از آموزه‌های دینی به دست می‌آید که نرمش و سهولت با روح قوانین شریعت عجین است. خداوند در قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد» (بقره: ۱۸۵). از دیگر آیاتی که می‌توان رعایت اصل سهولت در دین اسلام را از آن استنباط کرد، این آیه است که می‌فرماید: «بر ناتوانان و بیماران و فقیران که خرج سفر (و نفقه عیال خود را) ندارند، گناهی بر ترک جهاد نیست» (توبه: ۹۱). در تفسیر این آیه آمده است: «از این‌گونه افراد، قلم تکلیف و حکم و جوب جهاد برداشته شده است؛ چرا که اگر برداشته نشود، حرج و شاق است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹: ۳۶۲). عدم وجوب وضو و غسل برای اشخاصی که به هر دلیلی به آب دسترسی نداشته باشند و نیز برای بیمارانی که آب برای ایشان ضرر دارد، از دیگر مواردی است که بیانگر اصل تسهیل و مخالفت شریعت با حرج است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای اهل ایمان! چون خواهید برای نماز برخیزید، صورت و دستها را تا آرنج بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید و اگر جنب هستید غسل کنید و اگر بیمار یا مسافرید یا یکی از شما را قضای حاجتی دست داده یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب نیابید، در این صورت به خاک پاکیزه‌ای روی آرید و به آن خاک صورت و دستها را مسح کنید (تیمم کنید). خداوند نمی‌خواهد هیچ‌گونه سختی برای شما قرار دهد» (مانده: ۶). مبتنی بودن احکام اسلام بر تسهیل، در روایات متعددی نیز تصریح شده است؛ پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «خداوند مرا به رهبانیت و ترک دنیا نفرستاده است، بلکه مرا به شریعت و دین ابراهیمی که سهل و آسان است، مبعوث کرده است.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۹۴)

علی محمدیان و بتول سلحشور ❖ ۶۹۹

بسیاری از فقیهان در تألیفات خود به این اصل که احکام اسلام مبتنی بر رعایت تسهیل وضع شده‌اند، تصریح کرده‌اند (ر.ک: انصاری، ۱۴۲۸، ج ۲: ۲۵۸؛ مطهری، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۷۳). ایشان همچنین در موارد متعددی با استناد به مبتنی بودن شریعت بر تسهیل، به استنباط احکام مبادرت ورزیده‌اند (ر.ک: شهید اول، ۱۴۱۹، ج ۱: ۲۵۶؛ اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۰۵؛ کاظمی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۷؛ محقق خوانساری، بی‌تا، ج ۳: ۴۶۸). برای نمونه، علامه حلی قول به وجوب فوری قضای نمازهای فوت شده و حرمت اشتغال به امور دیگر را مردود دانسته و منافات داشتن حکم مزبور را با سخن پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «عَنْتِي بِالْحَنِيفِيَّةِ الْسَّهْلَةِ السَّمْحَةِ»، به عنوان دلیل ذکر کرده است. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۵۵)

حضرت علی بن موسی الرضا (ع) نیز در سخنان گهربار خود، در توضیح علت برخی احکام به رعایت سهولت و آسانی اشاره داشته‌اند؛ در روایتی وارد شده است که ایشان فرمودند: «و اگر گفته شود برای نماز عصر مانند اوقات نمازهای دیگر وقتی معین نیست، چرا آن را بین ظهر و مغرب قرار داد و میان عشاء و صبح، یا میان صبح و ظهر قرار نداد؟ گفته می‌شود زیرا هیچ وقتی برای مردم از ضعف و از کار برکناران و اقویا و کارگزاران آسان‌تر و راحت‌تر و مناسب‌تر برای نماز عصر از این وقت معین نیست؛ زیرا مردم همگی از اول روز مشغول‌اند به تجارت و معامله و آمدورفت و کار و کوشش در رفع حوائج خود و فعالیت بازارهای کسب؛ پس خداوند نخواست که آنان را از به دست آوردن روزی به کاری دیگر مشغول کند و با مصالح دنیایی ایشان رفتار نادرستی بکند و مردم همگی قادر به شبخیزی نیستند و آن را درست هم درک نمی‌کنند و در وقت آن - در نیمه‌های شب اگر شد - بیدار نمی‌شوند. هر چند واجب باشد و امکانش هم برای ایشان بسیار کم است، پس خداوند بر آنان آسان گرفت آن نماز (یعنی صلاه عصر) را در سخت‌ترین ساعات شبانه‌روز مقرر نفرمود، بلکه وقت آن را در راحت‌ترین هنگام قرار داد؛ چنان که خداوند عز و جل فرموده است: يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۱۰)

ایشان همچنین بیان داشته‌اند: «چنانچه گفته شود چرا نوافل در اوقات مختلف معین شده و در یک زمان واحد نیست؟ پاسخ آن است که بهترین اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید (ظهر) و پس از آن، مغرب و هنگام سحر؛ پس خداوند خوش داشت که برای قرب به او در این اوقات سه گانه نماز بجای آورند؛ زیرا اگر نوافل زمانش در وقفهای متفرق شود، انجامش برای همه آسان و راحت‌تر است از اینکه در یک زمان محدود و خاص معین شود تا جمله را پی‌درپی در همان یک وقت بجای آورند». (همان: ۱۱۱)

آیت‌الله خامنه‌ای یکی از موارد مهم سلوک عملی ائمه جمعه را مردمی بودن ایشان می‌داند. در استفتائات ایشان موارد متعددی را می‌توان یافت که به اصل تساهل و آسان‌گیری در اسلام تمسک جستند؛ برای نمونه، در پاسخ به سؤال شخصی که دچار وسواس در طهارت شده است، بیان می‌دارند: «دین اسلام دارای احکام سهل و آسان و منطبق با فطرت بشری است؛ لذا آن را بر خود مشکل نکنید و با

۷۰۰ ♦ بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری (مذاق شریعت)...

این کار باعث وارد شدن ضرر و اذیت به جسم و روحتان نگردد. حالت دلهره و اضطراب در این موارد، زندگی را بر شما تلخ می‌کند و خداوند راضی به رنج و عذاب شما و کسانی که با شما ارتباط دارند، نیست. شکرگزار نعمت دین آسان باشید و شکر این نعمت، عمل بر اساس تعلیمات خداوند تبارک و تعالی است». (اجوبه الاستفتانات مقام معظم رهبری، احکام طهارت، وسوسه و درمان آن، سؤال ۳۱۲)

۵. عدم تحریک عواطف و جلوگیری از نزاع

یکی دیگر از اصول مورد توجه شارع مقدس، عدم تحریک عواطف مردم و جلوگیری از نزاع میان ایشان است. در آموزه‌های شریعت موارد متعددی را می‌توان یافت که در آنها به حفظ وحدت و جلوگیری از تفرقه امر شده است. در قرآن کریم آمده است: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنیید و پراکنده نشوید» (آل عمران: ۱۰۳). ذیل آیه مزبور بیان شده است که در این آیه، مسئله اتحاد و مبارزه با هرگونه تفرقه، مطرح و سپس به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره شده و مسلمانان به تفکر در وضع اندوه‌بار گذشته و مقایسه آن پراکندگی با این وحدت دعوت شده‌اند و گفته شده است: فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان، دل‌های شما را به هم مربوط ساخت و شما دشمنان دیروز، برادران امروز شدید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۹-۲۸). خداوند در آیه دیگری می‌فرماید: «اطاعت خدا و پیامبر کنید، با یکدیگر نزاع نکنید، این نزاع سبب سستی شما می‌شود و این موضوع قدرت شما را از بین می‌برد» (نفال: ۴۶). در آیه‌ای دیگر، تفرقه و عدم اتحاد، ناشی از جهل و نادانی تلقی شده است: «یهودیان از ترس، بر جنگ با شما جمع نمی‌شوند، مگر در قریه‌های محکم حصار یا از پس دیوار، کارزار بین خودشان سخت است. شما آنها را جمع و متفق می‌بندارید؛ در صورتی که دل‌هایشان سخت متفرق است؛ زیرا آن قوم دارای فهم و عقل نیستند» (حشر: ۱۴). ذیل آیه مزبور بیان شده است: «تفرقه و نفاق درونی، ناشی از جهل و بی‌خبری و نادانی است؛ چرا که جهل، عامل شرک است و شرک، عامل پراکندگی و پراکندگی سبب شکست و به عکس، علم عامل توحید در عقیده و عمل و اتفاق و هماهنگی است که آن هم به نوبه خود سرچشمه پیروزی‌هاست» (همان، ج ۲۳: ۵۳۳). پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «الجماعه خیر و الفرقه عذاب» (پابنده، ۱۳۸۲: ۳۹۵)؛ جماعت و وحدت، مایه نیکی و تفرقه، باعث عذاب الهی است.

در قرآن و روایات علاوه بر امر به اتحاد و نهی از نزاع، از مؤمنان خواسته شده است تا در صورت وقوع اختلاف میان برادران دینی‌شان، برای اصلاح و رفع اختلافات مداخله کنند؛ خداوند در قرآن کریم فرموده است: «و هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ پردازند، آنها را آشتی دهید» (حجرات: ۹)؛ در تفسیر این آیه گفته شده است: «این یک وظیفه حتمی برای همه مسلمانان است که از نزاع و درگیری و خونریزی میان مسلمین جلوگیری کنند و برای خود در این زمینه مسئولیت قائل باشند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج

۷۰۱ علی محمدیان و بتول سلحشور

اصل جلوگیری از نزاع و حفظ وحدت، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های حضرت رضا(ع) بوده است. در این باره گفته شده است: اصل حرمت نهادن به جماعت مسلمین و حفظ انسجام امت، یکی از محوری‌ترین آموزه‌های امام رضا(ع) و ثمره رفتار و سلوک عملی حضرت در طول امامتش بوده است. در همین راستا، در سخنی منقول از امام رضا(ع) و در استناد به یک حدیث نبوی آمده است: «هر کس به دنبال برهم زدن جماعت و غضب کردن حکومت بر امت و نشستن بر مسند امور بدون مشورت باشد، مستوجب مرگ است». به این حدیث، باید سخن دیگری منقول از امام رضا(ع) را علاوه کرد که درباره کسانی که در کوفه بر ضد حکومت خروج کرده‌اند، موضعی منتقدانه اتخاذ کرده‌اند. (پاکتچی، ۱۳۹۳)

پیشگیری از هرگونه نزاع و اتحاد و انسجام امت اسلامی، در اندیشه مقام معظم رهبری از جایگاه والایی برخوردار است. ایشان راه حل محنتهای بزرگی که امروز دنیای اسلام به آنها دچار است، اتحاد اسلامی، هم‌افزایی، کمک به یکدیگر و عبور از اختلافات مذهبی و فکری دانسته‌اند (۱۳۹۵/۰۹/۲۷) و از بصیرت و عزم به عنوان دو عامل اصلی برای جلوگیری از اختلاف نام برده و اظهار داشته‌اند: «یکی از چیزهایی که دشمنان اسلام در درون امت اسلامی همیشه آن را دنبال کردند، امروز هم با شدت دنبال می‌کنند، عبارت است از ایجاد اختلاف؛ جلوی این را باید گرفت. هر حنجره‌ای که در جهت اختلاف حرف بزند، بلندگوی دشمن است؛ چه خودش بداند، چه نداند. مراقب باشیم حنجره ما بلندگوی دشمنان اسلام و قرآن نشود؛ فریاد اختلاف سر ندهد. اختلاف مذهبی، اختلاف شیعه و سنی، اختلاف عرب و عجم، اختلاف کشورهای گوناگون، اختلاف قومیتها و ملیتها و تعصبات ناسیونالیستی، چیزهایی است که دارند در بین جوامع مسلمان مشتعل می‌کنند. باید مقابل اینها ایستاد. البته گفتن این حرفها آسان است، عمل کردنش دشوار است؛ لکن راه عمل وجود دارد، راه باز است. عامل اصلی عبارت است از عزم و اراده ما؛ تصمیم بگیریم؛ بصیرت و عزم دو عامل اصلی است. اولاً بصیرت داشته باشیم، دشمن را بشناسیم، دوست را بشناسیم. امروز در کشورهای اسلامی، کشورهایی هستند که مسئولان آن کشورها دچار خطای باصره‌اند؛ نمی‌توانند دوست را از دشمن تشخیص بدهند. دشمن را دوست خیال می‌کنند، دوست را دشمن خیال می‌کنند؛ خب، انسان ضربه می‌خورد. یک چنین کشوری، با چنین نگاهی، با چنین بینشی، دچار ضربه می‌شود؛ بصیرت لازم است. «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» (یوسف: ۱۰۸). اگر بصیرت وجود داشته باشد، انسان راه را درست بشناسد، آنوقت عزم و اراده هم به خرج بدهد و نشان بدهد، راه، آسان پیموده خواهد شد؛ نصرت الهی یعنی همین؛ ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ از این واضح‌تر و از این صریح‌تر، چه می‌شود گفت؟ «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷)؛ نصرت خدا یعنی همین؛ راه خدا را شناختن و پیدا کردن، دنبال آن رفتن، به توطئه دشمن، به تحمیق دشمن، به تحمیل دشمن تن ندادن. قرآن این را برای ما تأمین می‌کند.» (۱۳۹۴/۰۳/۰۲)

۷۰۲ ♦ بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری (مذاق شریعت)...

آیت‌الله خامنه‌ای وحدت را چنین تبیین کرده‌اند: «منظور ما از وحدت چیست؟ یعنی همه مردم یکسان فکر کنند؟ نه؛ یعنی همه مردم یک نوع سلیقه سیاسی داشته باشند؟ نه؛ یعنی همه مردم یک چیز را، یک شخص را، یک شخصیت را، یک جناح را، یک گروه را بخواهند؟ نه؛ معنای وحدت اینها نیست. وحدت مردم؛ یعنی نبودن تفرقه و نفاق و درگیری و کشمکش. حتی دو جماعتی که از لحاظ اعتقاد دینی مثل هم نیستند، می‌توانند اتحاد داشته باشند.» (۱۳۷۹/۰۱/۲۶)

ج) بحث و نتیجه‌گیری

مذاق شریعت به اصول و مبانی کلی اطلاق می‌شود که شارع در جعل احکام، مورد توجه قرار داده و استناد شارع به آنها قطعی است. به طور کلی، قطعی‌ترین اصولی که از سوی شارع در جعل احکام در نظر گرفته شده است، عبارتند از: ۱. رعایت مصلحت؛ ۲. عقلایی بودن؛ ۳. عادلانه بودن؛ ۴. رعایت تسهیل و آسان‌گیری؛ ۵. برینگیختن احساسات و عواطف و جلوگیری از نزاع. آگاه بودن به مذاق شریعت، از حیث استنباط احکام بر اساس سبک و سیاق مد نظر شارع و مطابقت قوانین با سیاستهای کلی که در جعل احکام شرعی مد نظر قرار گرفته، امری ضروری است. با توجه به اهمیت شناخت مذاق شریعت و اینکه احادیث و روایات از مهم‌ترین منابع درک و استخراج مبانی کلی احکام به شمار می‌روند، این پژوهش درصدد فحص و جستجوی مصادیق گوناگون مذاق شارع در اخبار وارد شده از حضرت علی بن موسی الرضا (ع) برآمده است. بررسی روایات آن حضرت نشان می‌دهد که ایشان در احادیث متعدد به مواردی که در جعل احکام مورد توجه شارع واقع شده‌اند، اشاره داشته‌اند؛ به طوری که برای هر یک از اصول تعریف شده، شواهد گوناگونی از میراث مکتوب ایشان قابل ارائه و استخراج است. همچنین مطالعاتی که در سیره عملی و زندگی ایشان انجام گرفته، بیانگر این است که آن حضرت در طول زندگی خویش، همواره سعی در اقدام بر اساس سبک و سیاق مورد پذیرش شارع داشته‌اند. با امعان نظر در بیانات مقام معظم رهبری نیز می‌توان دریافت که مذاق شریعت در اندیشه ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که هر یک از اصول و مبانی ذکر شده در دفعات متعدد در توصیه‌ها، سخنرانی‌ها و استفتائات ایشان نمود پیدا کرده و در مسائل و حوزه‌های گوناگون مورد توجه ایشان واقع شده است.



منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ ق). **عیون أخبار الرضا**. تهران: [بی‌نا].
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دارالفکر.
- اربلی، علی بن عیسی (بی‌تا). **کشف الغمه**. بیروت: دارالاضواء.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق). **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۸ ق). **فرائد الأصول**. قم: مجمع فکر اسلامی.
- بدری، تحسین (۱۴۲۸ ق). **معجم مفردات اصول الفقه المقارن**. تهران: المشرق.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۳). «اندیشه سیاسی در تعالیم امام رضا(ع)». مقالات فرهنگی راسخون.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). **نهج الفصاحه**. تهران: دنیای دانش.
- تمیمی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**. قم: دفتر تبلیغات.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ق). **الصحاح**. بیروت.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۵). «مذاق شریعت». فقه و حقوق، سال سوم.
- حلّی، ابن ادریس محمد بن منصور (۱۴۱۰ ق). **السوائر**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلّی، جمال‌الدین احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷ ق). **عده الداعی و نجاح الساعی**. بیروت: دارالکتاب العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. لبنان: دارالعلم.
- راوندی، سعید بن عبدالله قطب‌الدین (۱۴۰۹ ق). **الخرائج و الجرائح**. قم: مؤسسه امام مهدی.
- سبحانی، جعفر (بی‌تا). **سلسله المسائل الفقهیه**. قم: [بی‌نا].
- شهید اول، محمد بن مکی (بی‌تا). **القواعد و الفوائد**. قم: کتابفروشی مفید.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۹ ق). **ذکر الشیعه فی أحكام الشریعه**. قم: آل‌البيت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ ق). **الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه**. قم: کتابفروشی داوری.
- صدر، محمدباقر (۱۴۱۸ ق). **دروس فی علم الاصول**. قم: نشر اسلامی.
- صنفور، محمد (۱۴۲۸ ق). **المعجم الأصولی**. قم: منشورات الطیار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق). **مجمع البحرین**. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- عاملی، محمد بن حسن حر (۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعه**. قم: آل‌البيت.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق). **تذکره الفقهاء**. قم: آل‌البيت.

۷۰۴ ♦ بازجستی در ملاکهای بنیادین شریعت در قانونگذاری (مذاق شریعت)...

- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق). *مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علیشاهی، ابوالفضل (۱۳۹۰). *مفهوم و حجیت مذاق شریعت در فرایند استنباط احکام فقهی*. قم: بوستان کتاب.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: منشورات دارالرضی.
- کاشف الغطاء، محمدحسین بن علی (بی تا). *مبادئ الإیمان*. [بی جا]: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کاظمی، جواد بن سعد اسدی (بی تا). *مسالك الأفهام إلى آیات الأحکام*. [بی جا]: [بی نا].
- کریم زاده، رحمت الله (۱۳۹۷). «بن مایة عدالت در کلام امام رضا (ع)». *فرهنگ رضوی*، سال ششم، ش ۲۲.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. بیروت: [بی نا].
- محقق خوانساری، آقا حسین بن محمد (بی تا). *مشارق الشموس فی شرح الدروس*. [بی جا]: [بی نا].
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ نامه اصول فقه*. قم: [بی نا].
- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: مرکز الکتب لترجمه و النشر.
- مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ ق). *مبانی اقتصاد اسلامی*. تهران: حکمت.
- مطهری، مرتضی (بی تا). *مجموعه آثار (فقه و حقوق)*. قم: [بی نا].
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). *اصول الفقه*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ق). *دائرة المعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه امام علی.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). *ربا و بانکداری اسلامی*. قم: [بی نا].
- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین محدث (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت: آل البيت.
- واسطی زبیدی، محب الدین (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
- Alishahi, A. (2011). *The concept and authority of the taste of Sharia in the process of deriving jurisprudential rules*. Qom: Book Garden.
- Allama Helli, H. (1992). *Mokhtalif al-Shia' fi Ahkam al-Sharia*. Qom: Islamic Publications Office.
- Allama Helli, H. (1993). *Tazkerat al-Foqhaha*. Qom: Al-Bayt Foundation.
- Ameli, M. (1988). *Wasa'il al-Shia*. Qom: Al-Bayt Foundation.
- Ansari, M. (2007). *Faraid Al-Osul*. Qom: Islamic Thought Association.

- Arbeli (No Date). **Kashf al-Ghamma**. Beirut: Dar al-Azwa.
- Ardabili, A. (1983). **Majma 'al-Fa'ida wa al-Burhan**. Qom: Islamic Publications Office.
- Badri, T. (1428 AH). **Dictionary of the contents of the principles of comparative jurisprudence**. Tehran: East.
- Fayumi, A. (No Date). **Al-Misbah Al-Munir fi Gharib Al-Sharh Al-Kabir**. Qom: Dar Al-Razi Publications.
- Hekmatnia, M. (2006). "Mazāq Sharia". *Quarterly Journal of Jurisprudence and Law*, third year.
- Helli, Ibn Edris (1989). **Al-Sarair**. Qom: Islamic Publications Office.
- Helli, J. (1986). **Ada al-Da'i wa Najah al-Sa'i**. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Ibn Babawiyah, M. (1958). **Ayoun Akhbar al-Reza**. Tehran.
- Ibn Manzoor, M. (1993). **Lisan Al-Arab**. Beirut: Dar al-Fikr.
- Islamic Information and Documentation Center (2010). **Dictionary of Principles of Jurisprudence**. Qom.
- Johari, I. (1989). **Al-Sahah**. Beirut.
- Karimzadeh, R. (2018). "The Basis of Justice in the Theology of Imam Reza (AS)". *Razavi Culture*, Year 6, No. 22.
- Kashif Al-Ghatta, M. (No Date). **The Principles of Faith**. Kashif Al-Ghatta Foundation.
- Kazemi, J. (No Date). **The path of understanding to the verses of the rulings**.
- Kolini, M. (1986). **Al-Kafi**. Tehran: Islamic Bookstore.
- Majlisi, M. (1982). **Behar Al-Anwar**. Beirut.
- Makarem Shirazi, N. (2006). **Encyclopedia of Contemporary Jurisprudence**. Qom: Imam Ali School Publications.
- Makarem Shirazi, N. (1995). **Tafsir Nemouneh**. Tehran: dar al-Kitab al-Islamiyya.
- Makarem Shirazi, N. (No Date). **Usury and Islamic Banking**. Qom.
- Mohaqeq Khansari, H. (No Date). **Mashreq al-Shams fi Sharh al-Durus**.
- Motahari, M. (1982). **Fundamentals of Islamic Economics**. Tehran: Hekmat Publications.
- Motahari, M. (No Date). **Jurisprudence and law**. Qom.
- Mustafawi, H. (1981). **Research in the words of the Holy Quran**. Tehran: the center of the book for translation and publication.
- Muzaffar, M. (1991). **Principles of Jurisprudence**. Qom: Seminary Islamic Propaganda Office Publishing Center.
- Najafi, M. (1983). **Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam**. Beirut: Dar Al-Ihya' Al-Tarath Al-Arabi.
- Nouri, M. Muhaddith (1987). **Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il**. Beirut: Al-Bayt Foundation.

- Paktachi, A. (2014). “**Political Thought in the Teachings of Imam Reza(AS)**”. *Raskhoon Cultural Articles*.
- Payende, A. (2003). **Nahj al-Fasaha**. Tehran: the world of knowledge.
- Ragheb Isfahani, H. (1991). **Al-Mufradat fi Gharib al-Quran**. Lebanon: Dar al-Alam.
- Ravandi, Q. (1988). **Al-Kharaij wa Al-Jaraih**. Qom: Imam Mahdi Institute.
- Sadr, M. (1987). **Lessons in the Knowledge of Principles**. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Sanqur, M. (2007). **The Dictionary of Principles**. Qom: Al-Tayyar Publications.
- Shahid Aval, M. (No Date). **Rules and Benefits**. Qom: Mufid Bookstore.
- Shahid Aval, M. (1998). **The memory of the Shiites in the provisions**. Qom: Al-Bayt Foundation.
- Shahid Thani, Z. (1989). **Al-Rawdah Al-Bahiyya**. Qom: Davari Bookstore.
- Sobhani, J. (No Date). **Series of Jurisprudential Issues**. Qom.
- Tabatabai, S.M.H. (1996). **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran**. Qom: Islamic Publications Office.
- Tamimi, A. (1987). **Tasnif Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam**. Qom: Daftar Tablighat.
- Toreihi, F. (1995). **Bahrain Assembly**. Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Wasiti Zubaydi, M. (1993). **Taj Al-Arous**. Beirut: Dar al-Fikr.

